

مجموعه پوستر

احادیث امام علی (علیه السلام)

زبان فارسی

قال علی علیه السلام:

«رَبُّهُ عَزِيزٌ أَذْلَّهُ خُلْقُهُ وَرَبُّهُ
خَلِيلٌ أَغْزَهُ خُلْقُهُ»

چه بسا عزیزی که رفتار بد او
ما یه ذلت او شده و چه بسا
ذلیلی که رفتار فوب او ما یه
عزت او شده است.

(بحار، ج ۷۷، ص ۴۲۰)





قال عليه عليه السلام:

إِنَّ لِأَهْلِ الْحَيَاةِ عِلَامًا يُعْرَفُونَ بِهَا:
صِدْقَ الْجَمِيعِ وَ أَنْوَاءِ الْآمَانَةِ، وَ وِفَاءِ بِالْعَهْدِ
وَ صَلَةِ الْأَرْحَامِ وَ رِحْمَةِ الْمُنْهَفِاءِ وَ قَلَةِ مَوَاتَاتَةِ النِّسَاءِ
وَ بَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنِ الْخَلْقِ وَ سُعْدَ الْحَلْمِ، وَ
اتِّبَاعِ الْعِلْمِ، وَ مَا يُقْرَبُ مِنَ اللَّهِ زَلْغَى، فَطَوْبِيهِ لَهُمْ
وَ حُسْنُ مَآبِهِ.

دینداران را نشانه هائی است که بدانها شناخته می شوند.

- فوش فلقی.
- برداری.
- پیروی از داشن نافع.
- و آنچه باعث نزدیکی به فداست.
- فوش با هال انان و سرانجام نیکشان.

- راستی در گفتار.
- ادا، اهانت.
- وفای به عهد و پیمان.
- رسیدگی به اقوام.
- ترهم بر ناتوان.
- کم معاشرت کردن با زنان.
- بذل احسان.

مؤمن را سه ساعت است:

ساعتی که در آن با خدای
 خویش مناجات کند،
 و ساعتی که به حساب خود
 رسیدگی کند،
 و ساعتی که به لذت حلال و
 خوب بپردازد.

سزاوار نیست برای انسان
 عاقل که کاری جز این سه کار
 کند:

مرمت امور زندگی
 یا گام برداشتن در راه آخرت
 یا لذت بردن از چیز غیر حرام.

قال علیه السلام:

إنَّ الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ:

فساعة ينادي فيها ربها،
 و ساعة يحاسب فيها نفسه،
 و ساعة يخلص فيها بيده نفسه
 وبغير لذاتها يحل و يجمل؛

و ليس للعاقل أن يكون شاجعاً

إلا فهو ثالث:

مرممة فهو معاشة،

و خطوة لمعاشة،

أو لذنة في غير محظوظ



لله أسمى الاسمين عليه السلام: كم بين الحق و الباطل؟
مثال: أربع أطابع و سبع أسماء الله عليه السلام يحيى عليه أسمى
مثال: ما ذكرت في كتابه فهو الحق و ما سمعته أخلاقه طلاق بالليل

از امير المؤمنین علی علیه السلام
سؤال شد: بیش حق و باطل که مختار
نیست ام نیست

ضرف علی علیه السلام فرمود: بدان طرزه که مختار از آنیست. پس از اینکه فرمود: خوب را پردازش و شناسنید خوب نهایت است و ضرر نهایت: آنچه را که راکه نهایت ضرر است. حق ایست و آنچه را که نهایت ضرر است. تو شعبه ایشان علی بال است.



قال عَلَيْهِ السَّلَامُ :

خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً، إِنْ مُتُمْ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ وَإِنْ عِشْتُمْ حَنُوا إِلَيْكُمْ

با مردم آنکونه معاشرت کنید که اگر مردید، بر شما اشک بریزند و اگر زنده ماندید، با اشتیاق به سوی شما بیایند.

(نهج البلاغه، حکمت ۱۰)



أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ:

أَيُّهَا النَّاسُ! اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَكْبَرُ
وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ؛ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ
مَحْمُومٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَتَحْمِنَهُ وَسَيِّفِي لَكُمْ وَ
الْعِلْمُ مَخْرُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَقَدْ أَمْرَتُمْ بِطَلَبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

ای مردم بدانید کمال دین، طلب علم و عمل بدان است،
بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال لازم‌تر است،
زیرا مال برای شما قسمت و تضمین شده. عادلی (که خداست) آنرا بین شما
قسمت کرده و تضمین نموده و به شما می‌رساند،
ولی علم نزد اهلش نگهداشته شده و شما مامورید که آنرا از اهلش
طلب کنید، پس آنرا بخواهید.



قال علیه طیب السلاطین:

الْأَنْسُ فِيْكُمْ: حَالُكُمْ رَفِيقٌ وَحَاطِرُكُمْ سَبِيلُ الْجَنَاحَيْنِ وَهُنَّجُونَ رَاعِيْنَ أَنْجَاعَ
كُلِّ نَارٍ يَعْتَقِيْهِ يَعْلَوْهُ مَعَ كُلِّ دِجَى لَمْ يَسْتَكْبِرُوا بِنُورِ الْحَلَمِ وَلَمْ يَلْجَاوَا
إِلَى دَكَانِ وَثِيقٍ.

مردم بے سے دستے اند:

عالم ربانی (دانشمند خدا پرست)

آموزنده و دانشجویی کے در راه نجات است
(کے در مسیر حق است و علم نافع تحصیل می کند)

وبقیہ مردمی هستند کے مانند پشمہ های پراکنده اند کے پیروان هر بانگ و
صدایی هستند و دنبال هر بادی می روند در پرتو نور علم و دانش نیستند تا
مدایت و راه بے جایی بزند و تکیہ بے رکن محکمی ندارند تا نجات یابند.



قال عليه عليه السلام:
الحكمة حكمة المؤمن، فحيث الحكمة ولو من أهل الغاية.

حکمت، گمشده مؤمن است، پس آن را به دست آور، هر چند از اهل نفاق باشد.

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ لَهُ عَلَيْكُمْ حَقًا، وَلَكُمْ
عَلَهُ حَقٌّ: أَيُّ مَرْدُومٍ، مَرَابِرْ شَعَا وَشَعَا
رَا بَرْ مَنْ حَقٌّ وَاجِبٌ شَدَدٌ اسْتَ:

فَامَّا حَقُّكُمْ عَلَىَّ: امَّا حَقٌّ شَعَا بَرْ مَنْ
فَالنَّصِيَّةَ لَكُمْ. آن که از خیرخواهی
شما دریغ نورزم
وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ. وَ بَيْتُ الْعَالَ رَا
میان شما عادلانه تقسیم کنم

وَ تَعْلِيمُكُمْ مَمِّا لَمْ يَعْلَمُوا. وَ شَعَا رَا
آموزش دهم تا بی سواد و ندادان
باشید
وَ تَدْبِيْكُمْ مَمِّا تَعْلَمُوا. وَ شَعَا رَا
تریت کنم تا راه و رسم زندگی را
بدانید.

قالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَ أَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيْكُمْ: وَ امَّا حَقٌّ مَنْ بَرْ
شَعَا این است که:

فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ. بِهِ بَيْعَتْ بَارْ مَنْ
وَفَادَارْ باشید.

وَ النَّصِيَّةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغْيَبِ. دَرْ
آشکار و نهان برایم خیرخواهی
کنید.

وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَطْعُونُكُمْ. هرگاه شما رَا
فرا خواندم اجابت نهانید.

وَ الْطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ. وَ فرمان دادم
اطاعت کنید.

(نهج البلاغه، خطبه ۳۴)



قال عليه عليه السلام:
لا يكون العديق مديقاً حتى يحظر لحاته في ثلاثة

في تلبيته
و تلبيته
و وفاته

دوست اگر در شه موعد دوستش را حمایت نکند، دوست نیست:

در شدت و گرفتاری او،
در غیبت او،
و پس از مرگش.

(نحو البلاغه، حکمت ۱۲۹)



قال علي عليه السلام:

جمل المرء بعيوبه من أثغر ثنوبه

جمل و بی خبری انسان از عیوب اخلاقیش
در ردیف بزرگترین کنایات او است.



قال أمير المؤمنين علي
ابن أبي طالب عليه السلام:

لا تستوحوها في طريق الهدى لقلة أهله؛
فإن الناس قد اجتمعوا على مائدة شبعها
قصيرة، و جوعها طويلا

ای مردم در طریق هدایت از کمی
نفرات وحشت نکنید؛ زیرا مردم
در اطراف سفره ای اجتماع کرده
اند که مدت سیری آن کوتاه و
گرسنگی آن طولانی است.

قال علي عليه السلام:

أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَةُ عَيْمَةٌ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ وَ طُوبَى لِمَنْ لَزِمَ بَيْتَهُ وَ أَكَلَ قُوَّتَهُ وَ أَشَغَلَ بِطَاعَةِ رَبِّهِ وَ بَكَى عَلَى حَطَبِيَّتِهِ فَكَانَ مِنْ نَفْسِيِّنِ شُغْلٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ



ای مردم، خوشابه حال کسی که عیب خودش او را از دنبال کردن
عیوب مردم باز دارد، و خوشآن که در خانه اش بنشیند، روزی خود
را بخورد، به طاعت پروردگارش مشغول باشد، و بر کناهش گریه کند.
او سر گرم کار خود بوده، و مردم از او در آسایش باشند.

قال علي عليه السلام

(في وصيته لابنه الحسين عليه السلام) :

أي بُنَيَّ! ما شرَّ بعده الجنةُ بشرٌ ولا خيرَ
بعده النارُ بخيرٍ و كُلُّ نعيمٍ دون الجنةِ ممحور
و كل بلاء دون النار عافية

ای پسر عزیزم! هر شر و بدی که به
دنبالش بهشت باشد، شر و بدی
نیست و هر خوشی که به دنبالش
آتش جهنم باشد، خوشی و خیر
نیست. و هر نعمتی در برابر بهشت
و کمتر از آن، کوچک و بی ارزش
است و هر بلا و گرفتاری در برابر
آتش جهنم، عافیت است.



قال علي عليه السلام

(في وصيته لابنه الحسين عليه السلام):

أي بسر عزيرم! عزت و آقی
نمیش دو بی نیازی او از
مردم است (این بی دست
مردم شاشت بشه) و
قاعده طالی است که تمام
نهی شود و هر کس زیاد باد
بری کند ب الله از مال
نهی اراضی من کرد (و
جزی جمع آن را ندارد) و
هر کس بداند سخن او جزو
اعمال و کردار اوست که
سخن می کند مگر آنچه
برای او مفید و سودمند است.



أي بنی! عز المؤمن
غناه عن الناس و
القناعة مال لا ينفع و
من أكثر ذكر الموت
رضي من الدنيا باليسير
و من علم أن كلامه
من عمله قل كلامه
إلا فيما ينفعه

(تحف العقول، ص ٨٣ و ٨٤)